هفته نامه رحمت خبری

هفته‌نامه خبری رحمت از تاریخ ۲۵ اسفند تا ۳ فروردین / ۲۹ جمادي الثاني الی۶ رجب شماره ۳۳

کهریزکی بـــه پهنـــای ایـــران

مجاهدان کجا هستند؟



مجاهد در مسیری طولانی قدم گذاشته است که پر از پستی و بلندی، صعود و نزول، شادی و غم، پیروزی و شکست و صدها احساس متضاد دیگری که در مقابل هم قرار می‌گیرند از طرفی شوق شهادت و از سویی اراده ی پایداری برای تکمیل مسیر، گاهی ناله ی شب برای رسیدن به دوستان پر کشیده از قفس و گاهی هم به یاد وفای خونشان در به سرانجام رساندن راه .

سوالی که شاید هر مجاهد از خود می‌پرسد این است که الان ما کجا هستیم ؟ به کجای راه رسیده‌ایم ؟ چرا باید هر مجاهد در پی پاسخی مناسب به این پرسش باشد ؟ سوالاتی که سعی خواهیم کرد به سوی رسیدن به پاسخ‌های روشن و کوتاه به آنها حرکت کنیم.

ابتدا باید به این امر بپردازیم که از لحاظ روانی کسانی می‌توانند بر سختی‌های راه صبر و شکیبایی کنند که می دانند کجا هستند؟ و در چه مرحله‌ای قرار دارند؟ چرا که گاهی فرد به سبب تخیل و توهم گمان می‌کند ....

۱ احمدی نژاد از عرش به فرش رسید

۲ حمله هوایی روسیه به دانش آموزان در خروجی مدرسه‌ای در ادلب ۲۰ کشته برجای گذاشت

۳ شعار رهبر نظامی که تولید داخلی را به ورشکستگی کشانده: سال حمایت از کالای ایرانی!



۱



۲



۳

33 عدد
هفته نامه خبری رحمت



هفته نامه رحمت

اینفوگرافیک
فروردین ۱۳۹۷ هـ.ش

مجاهدان کجا هستند؟

مجاهد در مسیری طولانی قدم گذاشته است که پر از پستی و بلندی، صعود و نزول، شادی و غم، پیروزی و شکست و صدها احساس متضاد دیگری که در مقابل هم قرار می‌گیرند از طرفی شوق شهادت و از سویی اراده ی پایداری برای تکمیل مسیر، گاهی ناله ی شب برای رسیدن به دوستان پر کشیده از قفس و گاهی هم به یاد وفای خونشان در به سرانجام رساندن راه .

سوالی که شاید هر مجاهد از خود می‌پرسد این است که الان ما کجا هستیم ؟ به کجای راه رسیده‌ایم ؟ چرا باید هر مجاهد در پی پاسخی مناسب به این پرسش باشد ؟

سوالاتی که سعی خواهیم کرد به سوی رسیدن به پاسخ‌های روشن و کوتاه به آنها حرکت کنیم.

ابتدا باید به این امر بپردازیم که از لحاظ روانی کسانی می‌توانند بر سختی‌های راه صبر و شکیبایی کنند که می‌دانند کجا هستند؟ و در چه مرحله‌ای قرار دارند؟ چرا که گاهی فرد به سبب تخیل و توهم گمان می‌کند که بسیار قدرتمند بوده و نه تنها نیروی کافی برای مقابله را دارد بلکه می تواند در مدت کوتاهی دشمنش را شکست داده و از میدان خارج کند ولی به محض اینکه به ضعف خود پی می‌برد دچار ریزش وجود شده و یارای ایستادگی و ادامه مسیر را نخواهد داشت و یا اینکه اگر فردی گمان کند که حرکت جهادی به قدری ضعیف است که توان خیزش مقابل هجوم صلیبی نوین را ندارد، با این روحیه چگونه می‌تواند وارد نبرد شود در نتیجه ضروری است که یک فرد مجاهد و مبارز بداند که حرکت جهادی در کدام انعطاف در حال سیر و از کدام مرحله در حال گذر می‌باشد تا زاد و توشه‌ای مناسب با مسیر با خود همراه گیرد.

نبود تصوری صحیح از جهاد در نزد منافقین سبب شد تا وقتی به آنها گفته شد بیایید بجنگید یا حداقل از خود و شهرتان دفاع کنید گفتند اگر می‌دانستیم جنگی در کار است از شما تبعیت نمی‌کردیم (ال عمران) یا اگر جهاد را یک سفری کوتاه و کالایی دست یافتنی می‌دانستند به کاروان می‌پیوستند (توبه) و وقتی حقیقت راه و سختی‌ها و آزمایش‌هایش آشکار شد از سیر بر خطش سربازدند ولی صحابه ی کرام به خوبی می دانستند کجا بوده و به کدامین سوی در سفر هستند و مشقت‌های راه چیست ؟ آنجا که به پیامبر علیه الصلاة والسلام گفتند اگر ما را به دریا بزنی همراه تو خواهیم بود و اگر ما را به سرزمین دوردستی ببری با تو خواهیم آمد و کسی از ما تخلف نخواهد کرد از این رو صحابه بر سختی و مشقت راه صبر گرفته و صعود کردند و به رستگاری نایل شدند و منافقین سقوط کرده و به درک اسفل رسیدند.

وقتی با دیدی جامع به حال امت نگریسته و مشکلات موجودش از حملات صلیبی و انحطاط دینی و اجتماعی و غیره را از ذهن می‌گذرانیم و در مقابل آن خیزش جهادی و موج بیداری را در بین امت می‌سنجیم به این نتیجه می‌رسیم که حرکت جهادی نه در مرحله ی اوج قدرت قرار دارد و نه در حالت ضعف شدیدی که از نا امیدی خبر دهد بلکه امت و حرکت جهادی در مرحله ای بینابینی و میانه در حال عبور هستند تا به تمکین برسند که اصطلاحا مرحله ی نهوض یا قیام گفته می‌شود از این رو جوانان جهادی باید به خوبی درک کنند که این مرحله ی حساس و پر نوسان قطعا نیاز به سرسختی و شجاعت بیشتری دارد تا موفق شود.

مرحله ی نهوض به این معناست که امتی که یک قرن کامل از رمز عزت خود دور گشته و لباس سروریش را از تنش کنده‌اند و او را با هزاران توطئه و جنایت به خواب برده‌اند امروز عزمی دوباره برای بیداری کرده است به این ترتیب طبیعی است که دشمنانش تمام تلاش خود را صرف ممانعت از این بیداری و خیزش کنند و لشکرهایان را در شرق و غرب آن به جولان در بیاورند تا از جوانه‌زدن دوباره بذر ایمان و یکتاپرستی، بذر جهاد و شهادت طلبی جلوگیری کنند پس از حجم جنایت‌هایی که در چهار گوشه ی امت عزیزمان مرتکب می‌شوند تعجب نکن و نومید مشو چرا که عربده ی ظالم به قدر ترسش از بیداری مظلوم است.

حال امت مثال مردی است که صد سال خفته و سگ‌ها در تمام جسدش چنگ انداخته و غبار سختی بر سر و وجودش نشسته که به یک باره ندای برخیز ای امت اسلام را شنیده و قصد قیامی دوباره دارد ولی سگ‌های گرسنه و طمع کار از پایش گرفته و او را از زمین می‌زنند ولی او هم‌چنان مصر است که برخیزد.

پس وقتی ما پی بردیم که امت در چه شرایطی قرار دارد و دانستیم که ادامه ی مسیر امری ضروری و حیاتی می‌باشد از شکست‌های خود یا از طغیان دشمن هراس نمی‌کنیم چرا که تمام این امور در این مرحله طبیعی است و در این مرحله ایستادگی به معنای پیروزی است نه سیطره بر منطقه یا عقب نشینی از آن، همانطور که تاریخ امت در عصر حمله ی مغول‌ها بر صحت این امر گواهی می‌دهد.



نباید بنشینیم و منتظر باشیم تا حرکت جهادی از مرحله نهوض به مرحله ی پیشروتری برسد سپس به آن ملحق شویم بلکه باید یقین دانست که مردانی که در چنین شرایطی همراه امت و حرکت جهادی برای گذر از این منعطف حساس ایستادگی می‌کنند با کسانی که بعد از فتح به آن ملحق می‌شوند با هم برابر نیستند.

با تصویر هر ویرانی و با سقوط هر موشک و با ناله ی هر خواهر و با هجوم هر لشکر در جسدمان روح مقاومت دمیده شده و گفته ی معاذ و معوذ در گوشمان طنین انداز می‌شود که "نجات نیابیم اگر نجات بیابید".

تمام گزارشات سازمان‌های تحقیقات استراتژیک صلیبی و شرق شناسان زبده ی غربی ناقوس خطر بیداری جهادی را به صدا در آورده‌اند و این امر این سگ‌های گرسنه را را چنین به درندگی وا داشته است پس نه تنها وضعیت امت جای نا امیدی ندارد بلکه هر صاحب بصیرتی می‌تواند صدای شیحه ی اسبان جنگی لشکر اسلام را از فرسخ‌ها بشنود که بیرق‌های عزت را به دست جوانان جان برکفی سپرده‌اند که نور سیمایشان را که از نجوا و خلوت‌های شب گرفته‌اند، پشت شال‌هایشان پنهان کرده و به سوی قدس در حرکتند چنان استوار که گویی دیواری از صرب سخت است پس مبادا از آن دسته باشی که روزی به وقت سحر با صدای شمشیرهایشان که فاتحانه وارد شهر و روستایت شدند از خواب بیدار شوی بلکه تو باید در لشکر فاتحان باشی.

مجاهدان بر بالای میانه‌ترین قله ی راه جهاد هستند و تا مقصد به اندازه یک تیر فاصله دارند.

شعار رهبر نظامی که تولید داخلی را به ورشکستگی کشانده: سال حمایت از کالای ایرانی!



رحمت - ایران

خامنه‌ای رهبر ایران که هر سال را به سلیقه ی خودش به یک نام بی سر و ته و بی‌مسما می‌نامد، سال ۱۳۹۷ را «حمایت از کالای ایرانی» نام‌گذاری کرده است آن هم در شرایطی که نفس تولید داخلی با سیاست های اقتصادبرباده نظام بریده و اقتصاد ملی با واردات بی‌رویه از چین و ترکیه و جمهوری‌های کمونیستی روسیه و دیگر کشورها به خاک سیاه نشسته است.

خامنه‌ای در سخنان بی مورد خود پس از تحویل سال گفت «بنده در شعارهای سال، معمولاً مسئولان را مخاطب قرار می‌دهم اما امسال، مخاطب، همه آحاد ملت از جمله مسئولان هستند و همه باید سخت، کار و تلاش کنند.»

چرا رهبر ایران تاکید می‌کند امسال در کنار مسئولین، «مردم» نیز مخاطب شعار سال ۹۷ هستند؟ آیا استفاده از کالاهای ایرانی می‌تواند ارتباطی با افزایش احتمال تحریم های شدید اقتصادی پس از لغو توافق اتمی داشته باشد؟ و آیا کالاهای ایرانی هر چند ارزان‌تر قدرت رقابت با کالاهای مشابه خارجی را دارند؟ و اساسا آیا اقتصاد داخلی این بنیه و امکانات را دارد که نیازمندی‌های مردم را تأمین کند که مردم هم روی به خرید و مصرف «کالای ایرانی» بیاورند؟!

واقعیاتی که مردم به طور روزانه با آنها درگیر هستند و شعار رهبر ایران و این نامگذاری بی‌مسما خیلی زود با هشتگ (#حمایت_از_کالای_ایرانی) در فضای مجازی مورد توجه و بحث قرار گرفته است. یک موضوع اصلی که مخاطبان می‌بینند و بر همان اساس هم «رهبر» و هم ولایی‌ها و ارزشی‌ها را به نقد می‌کشند، استفاده خامنه ای از BMW ضدگلوله است که برای او از غرب وارد می‌شود. نه تنها او، بلکه دیگر مقامات ریز و درشت ایران نیز برای رفت و آمد و اسکورت‌های خود از اتومبیل‌های مدل بالای خارجی به‌ویژه ماشین‌های غربی از جمله ساخت آلمان استفاده می‌کنند.

اتفاقاً یکی از بازارهایی که مقایسه کیفیت محصولات داخلی و خارجی در آن آسان و برای عموم مردم مقدور است، همین بازار اتومبیل است. بیشترین سوانح جاده‌ای و تصادفات منجر به مرگ و مصدومیت‌های شدید با اتومبیل‌های سر هم شده‌ی داخل کشور مانند پراید، پژو ۴۰۵ و پژو پارس است. از همین رو واکنش‌های مردم به شعار سال ۱۳۹۷ به شدت صریح و شفاف است.

محمد مظفری فعال رسانه‌ای توییت کرده «وقتی کارگر پول نگرفته باشد بی پول باشد، وقتی کارخانه‌ها و کارگاه‌های کشور دانه دانه در حال تعطیل شدن باشند وقتی امیدی به زندگی کارگران و کارمندان نباشد وقتی همه چیز از پایه خراب باشد دیگر کالای ایرانی وجود نخواهد داشت که بخواهیم از او حمایت کنیم. حمایت از کالای ایرانی!؟ کدام کالا؟»

ایقای نوشته «واضح و آشکاره که سال حمایت از کالای ایرانی یعنی قراره در این سال بیش از پیش مشکلات ناشی از ناکارآمدی اقتصاد رانتی و غیررقابتی رو بندازن گردن مردم.»

خرید محصول با کیفیت پایین یعنی دور ریختن پول؛ طبیعی است نه فقط در ایران بلکه همه جای دنیا شهروندان به دنبال کالا با کیفیت و قیمت مناسب هستند اما واقعا چند درصد کالاهای ایرانی در صنایع و تولیدات مختلف دارای قیمتی مناسب‌تر و حتی با کیفیت نزدیک به نمونه‌های خارجی آنها است؟

استفاده نکردن از محصول ایرانی در بعضی حوزه‌ها بسیار جدی و حیاتی است آنقدر که شوخی‌بردار نیست مثلاً در صنایع دارویی کیفیت پایین داروهای ایرانی قابل کتمان نیست. نمایندگان عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای به اصطلاح اسلامی بارها در مورد پایین بودن کیفیت داروهای ایرانی و عدم استقبال مردم از آنها اظهار نظر کرده‌اند.

همچنین در حوزه لوازم خانگی و لوازم الکترونیک کالای ایرانی به معنای واقعی حرفی برای گفتن ندارد! خرید یک تلویزیون ایرانی یا ماشین لباسشویی و یخچال ساخت ایران یعنی دور ریختن پول، با این حال در بازار استقبال از انواع «اجاق گاز»، «آب گرمکن»، «بخاری» و یا «رادیاتور» ایرانی بد نیست. اینها جزو کالاهایی هستند که پس از خریداری سال‌ها مورد استفاده خریدار قرار می‌گیرد و فقط به سرویس نیاز دارند.

حتی تولیدکننده‌های ایرانی و رؤسای اتحادیه‌ها نیز از پایین بودن کیفیت محصولات ساخت داخل باخبرند و آن را ابراز می‌کنند. همچنان که رییس اتحادیه لوازم خانگی بارها هشدار داده کیفیت پایین این نوع تولیدات داخلی زنگ خطری برای صنعت لوازم خانگی است. این همه در حالیست که پیش از انقلاب تولیدات داخلی ایران در عرصه‌های مختلف بازار خوبی نه تنها در خاورمیانه و کشورهای منطقه داشتند بلکه راهی بازارهای اروپا نیز می‌شدند.

از اینها که بگذریم از دردسرهای دیگر خرید کالای ایرانی عدم خدمات مناسب و گارانتی محصولات است. چنانکه در عمل چیزی به اسم خدمات پس از فروش و گارانتی وجود ندارد و وای به روزی که محصول خریداری شده نیاز به تعمیر پیدا کند. عزم ولایی‌ها برای شرمنده نشدن از شعار امسال؛ طرفداران خامنه‌ای پس از اعلام شعار توخالی امسال بلافاصله مانور دادن روی خرید کالای ایرانی را شروع کردند.

علی قلهکی از فعالان ولاییِ فضای مجازی نوشته «صریح‌تر بگفت! نهادهای انقلابی خصوصاً سپاه پاسداران، باید تکلیف خود را با شعار سال روشن کند. خانواده سپاه منهای بسیجیان نزدیک به ۳/۴ میلیون نفر است. اگر این جمعیت، متعهد سفت و سخت باشند که کالای ایرانی مصرف کنند، بخش زیادی از شعار سال محقق می‌شود»!

امیر سیاح هم نوشته «فراخوان همفکری برای تحقق شعار حمایت از کالای ایرانی، به نظر شما رسانه ملی چه کند تا مردم ایران بیشترکالای ایرانی بخرند و مصرف‌کنند؟ خواهش می‌کنم پیشنهاد و ایده عملیاتی دهید تا در پایان سال ۹۷ مثل امسال شرمنده شعار سال نباشیم، بسم الله.»

در عین حال یکی از دلایلی که خامنه‌ای چنین شعاری را برای نامگذاری سال ۹۷ انتخاب کرده، احتمال افزایش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران است. ولی حتی در چنان شرایطی نیز رانت‌خوارها و باندهای مافیایی حکومت و وابستگان سپاه که واردات انواع کالا را نیز در انحصار خود دارند، مهم‌ترین مانع بر سر «حمایت از کالای ایرانی» هستند!

اخبار متفرقه

- در حمله شخصی ناشناس با ماشینی بمب گذاری شده به غرب کابل، پایتخت افغانستان ۲۶ نفر کشته و ۱۸ تن دیگر زخمی شدند.

- صفحات اینترنتی نیروهای نظامی اسد از هلاکت بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای نمر و لواء ۲۴۰ در درگیری‌های دو روز گذشته منطقه "القدم" جنوب دمشق خبر دادند.

- مشاهدات و اطلاعات جدید نشان می دهد که یکی از نیروگاه‌های اتمی حکومت رژیم دیکتاتوری سوریه در دیرالزور سال ۲۰۰۷ توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به وسیله ۲۴ تن مواد منفجره و بمب منهدم گردیده است.

بر اثر حملات بدون وقفه رژیم اسد به غوطه شرقی تنها در یک روز سوریه ۵۹ تن از غیرنظامیان به شهادت رسیدند.

- یک هواپیمای بدون سرنشین ایرانی در غوطه شرقی دمشق سوریه توسط مجاهدان ساقط گردید.

کهریزکی به پهنای ایران

رحمت - ایران

شاید سردی هوا همراه با گرمی گلوله‌های آتشینی که سینه‌های پر از رنج و فقر و خشم از استبدادگر چپاولگر را پاره کرد، توانسته باشد از حجم تظاهرات مسالمت آمیز مردمی که بدبختی و فلاکت آنها را در خیابان‌ها ولو کرده بود تا با ترانه سرایی "مرگ بر دیکتاتور" همدیگر را تسلیت دهند، و با همدردی با هم جار زنند؛ نترسید نترسید همه با هم هستیم!.. بکاهد.

هر کس که کوچکترین مغزی در سر دارد و چیزی از تاریخ فرعون‌ها و نمرودها و دیکتاتورها شنیده است می‌داند که چنین جنبش‌هایی که پابرهنه‌های همه چیز باخته آنرا رهبری می‌کنند شکست ناپذیرند. شاید بتوان با گرز و درفش این جنبش را چند صباحی خفه کرد، اما خاموش کردنش از مستحیلات جامعه شناسی است. اگر چنین نمی‌بود نه نمرود را مگسی شل می‌توانست از پا در آورد و نه فرعون را اقیانوس خشم بینوایان می‌بلعید و نه کمر شاه و ساواک را سینه‌های سترک ملت ایران به زمین می‌زد.

این است راه و رسم و سنت تغییر آفرینی، سنت الهی که بدست بندگان آزاده تحقق می‌یابد: " فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّـهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّـهِ تَحْوِيلًا "(۴۳/فاطر) { هرگز دگرگونی و تبدیلی در شیوه‌ی رفتار خدا (در معامله‌ی با ملت‌ها) نخواهی یافت، و هرگز نخواهی دید که روش خدا تغییر مسیر و جهت دهد. }

بار دیگر دیکتاتور سرمست جام پیروزی را سرکشیده از بلندای غرور لاتی گریش به بردگان زیر چکمه‌های جلادانش می‌نگرد و همچنان با همان لهجه تیز سال ۸۸ آنها را: مگس، آشغال، مزدور، کرکس و خس و خاشاک و اراذل و اوباش می‌نامد!..

همه می‌دانید که این فحش‌ها و ناسزاها نهایتی جز سرنگونی دیکتاتور در پی نخواهد داشت. اما خداوندگار عالم پرده زمخت حماقت را بر چشمان ظالمان و خائنان کشیده و چنان آنها را کور کرده که از دیدن مصلحت خویش ناتوانند.

ملت گدایی می کند .. رهبر موقت خدایی... بوم فقر و فلاکت همچنان نوای شومش را می‌سراید. بقچه بر کولان بلوچ و خراسانی و کولبران کرد و آذربایجانی یا با گلوله گرم پاسداران طاغوت جان می‌دهند و یا با نوک تیز سرما و یخچال‌های زیزان. آمار فروش اعضای جسم و تن فروشی با آمار خودکشی زیر بار تنگدستی در رقابتند. آه و ناله ملت زیر آوار خستگی و درماندگی به گوش تمام بشریت رسیده مگر گوش کرآقایان...

حقا که "... إِنَّ اللَّـهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ "(القصص/۵۰) { مسلّماً خداوند مردمان ستم‌پیشه را (به سوی حق) رهنمود نمی نماید} خداوندگار از ستمگران قدرت تشخیص راه را از چاه می‌گیرد تا با پاهای خود به گوری که کنده‌اند بیافتند.

" وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّـهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ " (ابراهیم/۴۲) {گمان مبر که خدا از کارهائی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است. (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالت می‌کند که چشم‌ها در آن (از خوف و هراس چیزهایی که می‌بینند) باز می‌ماند. }

تقدس آخوند پس از آلوده شدن با ظلم و ستمش زیر پاهای مردم بر پیاده روها و شعله‌های پلاکاردهای آویزان بر در و دیوارها برای همیشه زمین بوس شد. چهار دهه است که دیکتاتور مردم را با مترسک؛ دشمن خارجی، از نزدیک شدن به مزرعه میهن دور نگه داشته و مال ثروت این دیار را به تاراج برده در بانک‌های خارجی انبار می‌کند. ده‌ها رادیو و تلویزیون و هزاران سایت تنها همان جادو و جمبل جادوگر فرعون را به ما تزریق می‌کنند؛ آمریکا، اسرائیل، انگلیس، داعش، وهابیت، تجزیه طلبان، مجاهدین خلق، سلطنت طلب‌ها، جنگ داخلی ، سوریه شدن!.. و ما میهن دوستان ساده هم باور می‌کردیم.

بر لاشه‌های جوانانمان که زیر آتش اطماع دیکتاتور در مرزهای میهن و در کشورهای دور و نزدیک تکه پاره می‌شدند بوسه امید به پاسبانی از این بوم می‌زدیم و زمزمه می کردیم: نخوانند بر ما کسی آفرین.... چو ویران بود بوم ایران زمین



در غفلت این دایناسورهای قرون وسطایی که چون کک بر عرش سلطانی چسپیده‌اند دنیا به پیش رفت و نسل جوان دریافت که این همه وحشت آفرینی تنها از "چوف و چاف،های" کاهنان بیت رهبری است و به مسافت عمر افسونگران از حقیقت دور .

مهار کشور در دست گروهی است شارلاتان بد زبان با اخلاق کهریزک که نه به ناموس زن و مرد پیر و جوان رحم می‌کنند و نه از دریدن عفت کودکان ابا دارند. حساب‌های میلیاردیشان که از خون ملت اختلاس کرده اند در گوشه کنار دنیا ورم زده است و کشور سرمایه دار ما را با زور چماق و حیله تقوای دروغین به تاریک خانه ظلمت و پله پله بسوی سوریه ویرانی سوق می‌دهند.

جوانان دریافته‌اند که تار و پود روابط اجتماعی و داد و ستد اقتصادی و ریشه‌های فرهنگی ملت ایران چنان درهم تنیده که خطر سوریه شدن با جنبش تغییر آفرین و آزادیخواه ملت ستمدیده وارد نیست هیچ، بلکه آن مقدار از وحشت و خفقانی که در مناطق مرزی باعث شده برخی نا امیدان از حال و آینده شعار تجزیه طلبی دهند با دیدن روزنه برپایی نظامی شایسته سالار آزاد و عدالت خواه که در آن همه افراد جامعه از حقوق شهروندی کامل برخوردار می‌باشند به بدنه ملت و میهن بازگشتند.

شعارهای تجزیه طلبانه در کشور وقتی سر برآورد که بلوچ و کرد و عرب و آذری و لر و ترکمن احساس کردند در سرزمین پدری خود به بردگی گرفته شده‌اند و با تازیانه جلاد نژادپرست تنها به جرم سکوت به کشتارگاه برده می‌شوند. و از سفره کشور جز ناله و شیون و سوگواری هیچ بهره‌ای ندارند.

تیر و تفنگ و باتوم جیره خواران لبنانی وعراق و پاکستانی و افغانی و خودباختگان سپاه کشت و کشتار و بسیج قلع و قمع شاید بتواند در دل‌ها وحشت اندازد و سینه های جوانان را با خون گلگون کند اما نمی تواند سفره‌های خالی بینوایان را رنگین کند.

بیش از ده هزار نفر متهم به آشغال و مگس گرسنه در پشت میله‌های زندان در بیش از ۱۰۰ شهر کشور زیر انواع شکنجه‌ها و توهین‌ها و هتک حرمت‌ها و تجاوز جنسی به طناب آویزان بر چوبه دار امید بسته‌اند. اینها در این دنیا چیزی ندارند که بدان دل بسته باشند. آرزوی مرگ دارند تا مبادا چشم‌هایشان بار دیگر به چشمان مادر و فرزندان گرسنه یشان بیفتد. هر روز جوانی تکه پاره به مادری داغدیده همراه با هزار و یک تهدید به سکوت و دفن کردنش در تاریکی شب و ادعای خودکشی... تحویل داده می‌شود. اهل سنت ایران سال‌ها با چنین بهانه‌های واهی به دارکشیده شده و در زندان‌ها می‌پوسند اما کسی صدایشان را نشنید مگر پروردگار جهانیان. تمام شهر و روستاهای کشور الآن طعم تلخ و سوزان حکومت نظامی که بلوچها و کردها و عربها چهار دهه است آنرا می‌چشند را لمس می کنند. صدای تک تیر اندازهای وحشت زده، آخوندهای فراری از چشمان مردم، جسدهایی که از رودخانه‌ها یا کهریزک‌ها تحویل گرفته می‌شوند. ناسزاها و فحش‌ها منبری‌ها، اعتراضات پراکنده خیابانی، تجمع های کارگران پریشانی که ماه‌هاست حقوق دریافت نکرده‌اند، لو رفتن اختلاس‌ها و دزدی‌ها و ظلم و ستم‌های استبدادگران اسیدپاش، شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر گرانی، صدای پای انقلابی است که همچنان شتابان بسوی پیروزی گام می‌نهد.

به قلم: د/ امراء

احمدی نژاد از عـــــرش به فرش



رحمت - ایران

از میان رییس‌جمهورها و نخست وزیران ایران، تنها یک نفر عاقبتش خوب بود و به جایگاه و مقامی رسید و آن هم علی خامنه ای می‌باشد که از ساختمان ریاست‌جمهوری به بیت رهبری رفت و به مقام رهبری ایران راه پیدا کرد.

امابقیه با سرنوشت کمابیش مشابهی، هر یک به نوعی از قدرت رانده شدند. ابو الحسن بنی صدر توسط فرمان خمینی مخلوع شد واز کشور فرار کرد، میر حسین موسوی نخست وزیر دولت خامنه‌ای پس از اعتراض به تقلب انتخابات خانه نشین وحصر شدن همراه مهدی کروبی دچار شد. رفسنجانی برای دو بار پیاپی رد صلاحیت شدند و توسط گروه خامنه‌ای به فتنه اکبر تشبیه شدند وتا جایی که به گفته شواهدی او را گویا به قتل رساندند. محمد خاتمی را از تلویزیون و مراسم‌های متعدد حذف کردند. وهم اکنون محمود احمدی نژاد به این مقام فرش رسید.

به جز محمد علی رجایی و نخست وزیرش محمد رضا باهنر، که در انفجار دفتر نخست وزیری کشته شدند، برای سایرین، پایان دوران مسوولیت در خیابان پاستور، شروع روزهای سردرگمی و چرخش دیدگاه نظام نسبت به آنان بوده است. این افراد خائن، ساکت جریان فتنه، برانداز و انحرافی لقب گرفته و از جمع خودی‌ها طرد شده‌اند.

وبه صورت کلی این سؤال پیش می‌آید، که چرا روسای دولت در حکومت ولایت فقیه ایران به چنین سرنوشتی مبتلا می‌شوند و مانند سایر کشورهای منطقه، از تجربه‌های مدیریتی واقتصادی وسیاسی آنها استفاده نمی‌شود؟ با نگاه کردن به وقایع چهل سال گذشته و عملکرد رئیس جمهورها و نخست وزیران ایران، چرا این افراد از پوزیسیون به اپوزیسیون تبدیل می‌شوند؟ و آیا وجود سایه ولایت فقیه وشورای نگهبان باعث به چربش کشیدن وطراحی کردن این سؤال می شود؟

محمود احمدی نژاد، درست سیزده سال پیش رئیس‌جمهوری شد و دوره‌ای پر فراز و نشیب را در سیاست ایران آغاز کرد. مرتضی آقاتهرانی، دبیرکل جبهه پایداری، فراز و نشیب او را از نگاه اصولگرایان این گونه توصیف کرده است: "روز اول خوب بود، روز دوم لق زد و روز سوم افتاد" احمدی نژاد از فرمانداری ماکو بعد از استانداری و شهرداری به پست ریاست جمهوری رسید!

اما در بیش از پنج سالی که از پایان دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد می گذرد، آنچه بیش از هر چیز درباره او در رسانه‌ها تکرار شده، بحث "فسادهای مالی" و "سیاست پرهزینه" او می‌باشد.

در این مدت مسئولان دولت روحانی و قوه قضائیه به کرات از فسادهای مالی گسترده در دولت محمود احمدی‌نژاد سخن گفته اند. در همین ارتباط، محمدرضا رحیمی معاون اول او بازداشت و حمید بقایی معاون اجرایی احمدی نژاد حکم محکومیتش را قطعی دریافت کرده است.

کسی که نظرش به نظر خامنه‌ای طبق گفته خود آیت‌الله نزدیک بود هم اکنون دیگر نزدیک نیست! و روز به روز ارزش خود را از دست می‌دهد. و اینک دار و دسته احمدی نژاد و نزدیکان او که مدعیان ارتباط با امام زمان هستند کارشان به جایی رسیده است که پناهنده شاه عبدالعظیم می‌شوند.

محمود احمدی‌نژاد و هم‌پالکی‌هایش حمید بقایی، علی‌اکبر جوانفکر، حبیب‌الله جزء خراسانی، رحیم مشائی چهار نفری هستند که در اعتراض به قوه قضاییه در آرامگاه شاه عبدالعظیم در جنوب تهران بست نشسته و تحصن کردند.

موضع محمود احمدی‌نژاد در برابر قوه قضاییه چیست؟ رئیس‌جمهوری پیشین ایران، در روز اول بست‌نشینی با حضور در جمع معترضان، از روسای قوه مقننه و قضاییه با عنوان "خانواده لاریجانی" به شدت انتقاد کرد و گفت: "ما با خانواده لاریجانی مخالف هستیم و قبول نداریم مملکت دست اینها بیفتد و به مردم ظلم بکنند." آقای احمدی‌نژاد گفت که چون دولت او "مچ دزدها را گرفته"، اکنون با اتهام دزدی و فساد از سوی قوه قضاییه رو به رو شده است. او خطاب به مخالفانش گفت: "مردم ایران آدم‌های صد برابر گنده‌تر از شما را پایین کشیده‌اند."

حال سوال این است که چرا احمدی نژاد در طول ۸ سال ریاست‌جمهوری‌اش در برابر دستگاه قضایی سکوت کرد و احمدی‌نژاد چرا در برابر اعدام‌ها و به زندان انداختن وکلا و روزنامه‌نگاران و علمای اهل سنت و دستگیری‌های سال ۸۸، شما شخصی مثل سعید مرتضوی یعنی قاتل کهریزک را حتی نگذاشتید یک روز هم زندان برود و تا جایی که او را مسول تامین اجتماعی کردید؟

به نظر می‌رسد مردی که خود "معجزه هزاره سو" و دولتش نیز دولت "امام زمان" توصیف می‌شد، اکنون مورد انتقاد اصول گرایان یعنی متحدان و حامیان دیروز خود قرار گرفته و عملکردش به عنوان یکی از دلایل شکست آنها در حذف تأیید صلاحیت انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ مطرح می شود، احمدی‌نژاد دیگر رنگ و اثری در عرصه سیاسی کشور از دیدگاه کار بدستان حکومتی ندارد.

حال باید دید که در گرماگرم جنگ قدرت بین سران رژیم چه افشاگری‌های دیگری صورت خواهد گرفت و پرده فساد و نقض قانون و ستم به مردمان ایران چگونه به کنار زده خواهد شد.

حمله هوایـی رژیـم اسد و روسیه به دانش آمــوزان در خروجی مدرسه‌ای در ادلب ۲۰ کشته برجای گذاشت

رحمت - سوریه

مدیر نیروهای دفاع مدنی سوریه در استان ادلب سوریه گزارش داد که در حمله هوایی جنگنده‌های روسی - اسد به روستای کفر بطیخ از توابع ناحیه سراقب در مرکز این استان، ۲۰ غیرنظامی از جمله ۱۶ کودک و ۳ زن جان خود را از دست دادند و یک تن دیگر زخمی شد.

آژانس هواپیمایی متعلق به مخالفان رژیم رژیم اسد نیز از طریق شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: جنگنده‌های روسیه از پایگاه هوایی حمیمیم ناحیه سراقب و روستاهای اطراف آن را مورد هدف قرار دادند.

همچنین حمله هوایی به بازاری در حومه ادلب ۴۲ کشته بر جای گذاشت؛ مدیر نیروهای دفاع مدنی سوریه در استان ادلب گفت: براساس برآوردهای اولیه در اثر حمله هوایی به بازاری در شهرستان «حارم» استان ادلب ۴۲ غیرنظامی جان خود را از دست داده و ۷۲ تن دیگر نیز مجروح شدند. فعالیت‌های نیروهای دفاع مدنی برای جستجو و نجات مصدومان در منطقه ادامه دارد.

در این رابطه، نگرانی هایی از احتمال افزایش تلفات وجود دارد.مرکز دیده بانی هواپیمایی متعلق به مجاهدین نیز از طریق شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: جنگنده‌های روسیه از پایگاه هوایی حمیمیم شهرستان حرم را مورد هدف قرار دادند. گفتنی است طی دو هفته اخیر در حملات هوایی به مناطق مسکونی در ادلب و حماه ۹۸ غیرنظامی جان خود را از دست دادند و ۱۳۴ غیرنظامی دیگر نیز مجروح شدند.



شیخ ابوقتاده فلسطینی حفظه‌الله



خوش نداشتند که گفته شود: سرزمین شام

خوش نداشتند که به آنها گفته شود: این جهاد،
مُلک تمام امت است و تحقق یکتاپرستی، هدف آن است.
و خوش نداشتند که غریبان برای تحقق پیروزی یا شهادت هجرت کنند.
و خوش نداشتند که افرادی خارج از مرزهایی که ساخته‌ی
دست کفار است، آنها را نصیحت کنند و دوست بدارند.
و خوش نداشتند که این جهاد، جهادی باشد در راستای ایجاد
تغییر در تمام منطقه، و از تمام اینها به شدت بیزار بودند.
اما خداوند متعال کامل‌کننده‌ی دین خودش است و پرچم
جهاد را برمی‌افرازد.
و اگر این مسائل، چه بر وفق مرادشان یا برخلاف میل‌شان پیش
می‌رفت بازهم به حال اینان فرقی نمی‌کرد و اینان را عضوی از
اعضای مجلس‌مردمی یا پارلمان می‌دیدی که برای سر کار آمدن
طاغوتی جدید، مشتاقانه کف می‌زدند.
از هرچه دلتان میخواهد بیزاری جویید و هرچه دلتان خواست
را دوست بدارید، زیرا این جهادی است که دست خداوند متعال
آن‌را حمایت و رعایت می‌کند و به‌وسیله‌ی آن اهدافی محقق
می‌شود که مجرای تاریخ را تغییر می‌دهد.



ماموستا عبدالرحمن فتاحی -حفظه الله

کسانی که عهد و پیمان بسته‌اند بر اینکه تا آخرین لحظات زندگی‌شان بر ولاء و دوستی برای اللهِ‌متعال و پیامبر اکرمﷺ و مؤمنان ثابت بمانند و مانند ابراهیم خلیل، صراحتا خطاب به تمام کفار اعلام نمایند که دشمنی بین ما و شما تا زمانیکه به اللهِ‌متعال ایمان می آورید، ادامه دارد؛

اینان همانند کسانی هستند که در حدیبه به پیامبرخدا ﷺ دست بیعت دادند و الله در موردشان فرمود:

"شما با خدا بیعت داده‌اید و دست خدا بالای دست‌های شماست"

(به استثنای اینکه اینان، امتیاز صحابه بودن را ندارند.)

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١٠﴾ الفتح: ١٠

کسانی که با تو بیعت می‌کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.